گزارش

قالیباف: درهای دیپلماسی باز است

رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران هرگز تحت هیچ شرایطی امنیت ملی، توان دفاعی و حق مسلم خود برای پیشرفت را موضوع معامله قرار نخواهد داد، گفت: بارها اعلام کردیم درهای دیپلماسی باز است، اما دیپلماسی واقعی تنها زمانی معنا دارد که مبتنی بر احترام متقابل و منافع مشترک باشد، نه زورگویی و تهدید. محمدباقر قالیباف در نشست کمیته دائمی امور سیاسی مجمع مجالس آسیایی که در مشهد برگزار شد، اظهار کرد: مایه خرسندی است که امروز در شهر مشهد و پایتخت معنوی ایران و نماد همبستگی میزبان شما هستیم. حضور شما نشان‌دهنده اراده مشترک ما برای تقویت همکاری‌های پارلمانی در قاره‌ای است که تاریخ، فرهنگ و آینده مشترکی دارد. او ادامه داد: آسیا امروز در موقعیت تاریخی قرار گرفته و جهان در حال گذار از تحولات عمیق سیاسی است. در این میان، قاره آسیا صرفا یک موقعیت جغرافیایی نیست، بلکه موقعیت عمیق تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی میان ملت‌هاست. این قاره ظرفیت‌های بزرگی در درون خود دارد و با آگاهی جهانی و منطقه‌ای از شرایط حساس دنیا و اراده جمعی مبتنی بر منافع دسته‌جمعی می‌تواند الگوی جدیدی از همکاری منطقه‌ای ارائه دهد و به مرکز ثقل رشد نوآوری، اقتصادی، تحولات جهانی و آینده بشریت تبدیل شود. رئیس مجلس شورای اسلامی ادامه داد: اهمیت آسیا فقط در زمینه‌های جمعیتی و وسعت سرزمینی نیست، بلکه این قاره در استقلال فکری، تنوع فرهنگی و اراده مشترک کشورها برای چندجانبه‌گرایی نیز اهمیت دارد. آسیا در حال نوشتن فصل جدیدی از تاریخ است؛ فصلی که در آن هیچ کشوری به دیگری دیکته نمی‌کند، بلکه کشورها به گفت‌وگو با یکدیگر می‌پردازند و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و همکاری برای ایجاد تحول و عدالت محترم شمرده می‌شود. قالیباف اضافه کرد: در برابر این فرصت عظیمی که در آسیا رخ می‌دهد، جهانی قرار دارد که با چالش جدی و بی‌سابقه روبه‌رو است. اکنون چالش‌ها در حوزه امنیت، صلح و توسعه پایدار همه ما را تهدید می‌کند؛ چالش‌هایی همچون یک‌جانبه‌گرایی و تلاش برخی قدرت‌ها برای تحقیق اراده قدرت بر اکثریت ملت‌های مستقل و همچنین تحریم‌های غیرقانونی و یک‌جانبه که حقوق اساسی ملت‌ها را نقض کرده و به ابزاری برای فشار سیاسی تبدیل شده است. جنگ‌ها، اشغالگری‌ها و نسل‌کشی‌های سازمان‌یافته به‌ویژه توسط صهیونیستی علیه مردم مظلوم فلسطین و کرانه باختری نیز از دیگر تهدیداتی است که مستمرا ادامه دارد. وی با اشاره به بحران‌های انسانی ناشی از جنگ‌افروزی، بیان کرد: آوارگی میلیون‌ها انسان و ایجاد قحطی عمدی ازجمله این بحران‌هاست. پدیده‌های ناپسند مانند نژادپرستی، اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی نیز در برخی کشورهای غربی گسترش یافته است. تغییرات اقلیمی هم بدون مسئولیت‌پذیری قدرت‌های بزرگ، آینده ما را به خطر انداخته است. دخالت پنهان و آشکار در امور داخلی کشورهای مستقل و کاهش شدید اعتماد جهانی به سازوکار بین‌المللی که زمانی برای حفظ صلح و عدالت تأسیس شده بود نیز از دیگر تهدیدات موجود علیه جهان است. رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه این چالش‌ها مسائل محلی نیستند بلکه تهدیدات مشترک علیه کل بشریت و ملت‌های آسیا هستند، اظهار کرد: واقعیت تلخ این است که نظم بین‌المللی کنونی، به‌ویژه نهادهایی که پس از جنگ جهانی دوم برای حفظ صلح تأسیس شدند، در عمل نتوانسته‌اند وظایف خود را انجام دهند و اغلب به ابزاری در دست قدرت‌های خاص تبدیل شده‌اند. ملت‌های آسیا بیش از هر قاره دیگری قربانی این استانداردهای دوگانه بوده‌اند. قالیباف ادامه داد: در کنار این چالش‌های دیرینه، تهدیدهای نوظهوری نیز در حال شکل‌گیری است؛ ازجمله سلطه‌جویی دیجیتالی و تلاش برای کنترل داده‌ها و زیرساخت‌های فناوری ملت‌ها، جنگ‌های ترکیبی و عملیات شناختی علیه دولت‌ها و ملت‌های مستقل و استفاده از بهانه‌های زیست‌محیطی و حقوق بشر برای مداخله در امور داخلی کشورها. وی اضافه کرد: این چالش‌های سنگین از یک سو و ظرفیت‌های عظیم آسیا از سوی دیگر، نشان می‌دهد مسئولیت تاریخی سنگینی بر دوش ماست. در دهه‌های اخیر، ملت بزرگ ایران نیز هدف یکی از شدیدترین و سازمان‌یافته‌ترین روندهای خصمانه تاریخ معاصر قرار گرفته است؛ یعنی تحریم‌های ضدبشری و تلاش برای جلوگیری از پیشرفت‌های علمی و هسته‌ای صلح‌آمیز و در نهایت حمله مستقیم و بزدلانه رژیم صهیونیستی در ژوئن ۲۰۲۵ به تأسیسات هسته‌ای و مراکز غیرنظامی ایران با مداخله آشکار آمریکا، آن‌هم در میانه مذاکرات دیپلماتیک. برخی دولت‌های اروپایی نیز به‌جای محکوم‌کردن متجاوز، در کنار اشغالگر ایستادند؛ این در حالی است که ۱۲۰ کشور جهان با رد این تجاوز در کنار ملت ایران قرار گرفتند. رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه این رفتار کشورهای غربی به روشنی نشان داد که برای آنان، مذاکره نه ابزار گفت‌وگو و حل اختلاف، بلکه ابزاری برای فریب، خرید زمان و اعمال فشار است، گفت: جمهوری اسلامی ایران هرگز تحت هیچ شرایطی امنیت ملی، توان دفاعی و حق مسلم خود برای پیشرفت را موضوع معامله قرار نخواهد داد. بارها اعلام کردیم درهای دیپلماسی باز است، اما دیپلماسی واقعی تنها زمانی معنا دارد که مبتنی بر احترام متقابل و منافع مشترک باشد، نه زورگویی و تهدید.

قالیباف با اشاره به دردناک‌ترین فصل‌های تاریخ معاصر بیان کرد: از اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون، رژیم اشغالگر قدس نزدیک به ۷۰ هزار فلسطینی و عمدتا زنان و کودکان را به شهادت رسانده و مرتکب نسل‌کشی سیستماتیک شده است. همین رژیم در خرداد امسال ضمن حمله به تأسیسات صلح‌آمیز ایران، بیش از هزار نفر از هم‌وطنان ما را به شهادت رساند و سپس این حملات را به لبنان، قطر و سوریه گسترش داد؛ اقداماتی که تهدیدی مستقیم علیه صلح و ثبات منطقه‌ای است. او اضافه کرد: جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان حامی حقوق فلسطینیان از هر ابتکار و طرحی که به اشغالگری پایان دهد و رنج مردم فلسطین را کاهش دهد، استقبال می‌کند، اما تلاش‌ها برای تحمیل هرگونه صلح ناعادلانه بر ملت فلسطین را رد می‌کند. هر توافقی که در آن عدالت برای فلسطینیان تأمین نشود، چیزی جز تداوم اشغال با چهره فریبنده در سرزمین فلسطین نیست و فاقد مشروعیت سیاسی، حقوقی و اخلاقی است و محکوم به شکست خواهد بود؛ همان‌گونه که توافق تحمیلی پیشین به دلیل نادیده‌گرفتن اراده ملت فلسطین به بن‌بست رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی ادامه داد: حق تعیین سرنوشت، حقی الهی و بین‌المللی برای ملت فلسطین است و هیچ قدرت خارجی نمی‌تواند به جای آنان تصمیم بگیرد که سرزمین، مقدسات و آینده‌شان چه می‌شود. مسئله فلسطین نه‌تنها معیار عدالت و انسانیت است، بلکه آزمون واقعی آینده نظم بین‌المللی به شمار می‌رود. پیشنهاد ثبت‌شده جمهوری اسلامی ایران مبنی بر برگزاری همه‌پرسی با مشارکت ساکنان اصلی سرزمین فلسطین، اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی، راهکاری منطقی و پایدار برای آینده این سرزمین و الگویی روشن برای ساختن نظم منطقه‌ای پایدار است.

«شرق» از سلسله تحولات معنادار خاورمیانه گزارش می‌دهد

ایران در آزمون بغداد و بیروت

مالک مصدق: در گزارش پیشین «شرق»، تصویری اولیه از تحولات سه‌گانه دمشق، بیروت و بغداد ارائه شد؛ تصویری که بر پایه هم‌زمانی سفر هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه، سعود بن محمد الساطی، معاون وزیر خارجه عربستان به تهران و حضور تام باراک (سفیر آمریکا در ترکیه و دستیار ترامپ در امور سوریه) در بغداد ترسیم می‌شد. اکنون نشانه‌ها فراتر از یک هم‌زمانی ساده است. آرایش بازیگران منطقه‌ای در حال شکل‌گیری لایه‌ای جدید از فشارها و معادلات امنیتی است که می‌تواند سه پایتخت بغداد، بیروت و دمشق را در مدار تحولات یمن و فلسطین، هم‌پیوند قرار دهد. اگر پیش‌تر از «مثلث در حال تغییر» سخن گفته می‌شد، امروز باید از «مثلثی در حال وقوع» سخن گفت؛ رخدادهایی که نه‌تنها می‌توانند وضعیت داخلی لبنان و عراق و سوریه را دگرگون کنند، بلکه موقعیت ایران را در معادلات غرب آسیا نیز تحت تأثیر قرار بدهند.

در چنین بستری است که مجموعه‌ای از تصمیمات، واکنش‌ها و مواضع سیاسی در بغداد و بیروت، به‌سرعت به نشانه‌هایی از تغییر عمق ژئوپلیتیک ایران تبدیل می‌شوند. عراق با تصمیم ناگهانی و سپس لغوشده درباره مسدودسازی دارایی‌های حزب‌الله و انصارالله، و لبنان با موجی از واکنش‌ها علیه اظهارات علی‌اکبر ولایتی، هر دو به‌گونه‌ای در حال مخابره پیام هستند؛ پیام‌هایی که نشان می‌دهد فضای مانور تهران در این دو کشور به یکی از شکننده‌ترین دوره‌های خود رسیده است.

تحولات عراق در هفته گذشته شتابی غیرمنتظره به خود گرفت. انتشار خبر مسدودسازی دارایی‌های گروه‌های مقاومت، از جمله حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن، در روزنامه رسمی دولت عراق، بلافاصله فضای سیاسی بغداد را دگرگون کرد. این اقدام ابتدا به‌عنوان تصمیمی رسمی از سوی «کمیته مسدودسازی وجوه تروریستی» وابسته به وزارت دادگستری معرفی شد؛ کمیته‌ای که زیر نظر مستقیم سازوکارهای مالی بین‌المللی و دستورالعمل‌های اوفک (دفتر کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا) عمل می‌کند.

روایت اولیه نشان می‌داد که عراق عملا گامی در راستای پاسخ‌گویی به فشارهای واشنگتن برداشته است؛ فشاری که از زمان تشکیل دولت السودانی با فراز و فرود مستمر همراه بوده است. اما موج اعتراض‌ها اجازه نداد این تصمیم بیش از چند ساعت در فضای رسمی بغداد باقی بماند. واکنش‌های تند در شبکه‌های اجتماعی، بیانیه‌های سیاسی و اعتراض جریان‌های پارلمانی باعث شد کمیته مذکور ناچار به عقب‌نشینی شود و اعلام کند تصمیم بر مبنای «برداشت اشتباه» اتخاذ شده است. با این حال، ماجرا به‌سادگی پایان نیافت. سفارت آمریکا در بغداد هم‌زمان بیانیه‌ای منتشر کرد که نشان می‌داد فشار واشنگتن نه اتفاقی لحظه‌ای که بخشی از یک برنامه‌ریزی گسترده‌تر است. مایکل ریگاس، معاون وزیر خارجه آمریکا، در دیدار با فؤاد حسین، وزیر خارجه عراق، بار دیگر گروه‌های مقاومت را «نایبان ایران» معرفی کرد و در یک ادعای زیاده‌خواهانه و دخالت در امور عراق خواستار مقابله دولت بغداد با این گروه‌ها شد. اشاره هم‌زمان ریگاس به همکاری اقتصادی و امنیتی با عراق، در کنار این مطالبه سیاسی، نشان‌دهنده همان الگوی ثابت فشار آمریکا در دو دهه اخیر است که ناظر به ایجاد پیوند میان حمایت‌های مالی و امنیتی با محدودسازی نفوذ ایران است. در نقطه مقابل، دولت السودانی تلاش کرد ضمن مهار بحران، پیام دوگانه‌ای به طرفین ارسال کند. نخست‌وزیر عراق با صدور دستور فوری برای «شناسایی و برخورد با خاطیان»، تلاش کرد نشان دهد دولت او از این تصمیم حمایت نکرده و آن را اشتباه اداری می‌داند. هم‌زمان در بیانیه دفتر او تأکید شد که موضع سیاسی عراق درباره تجاوزات اسرائیل «اصولی و غیرقابل معامله» است؛ موضعی که در واقع پاسخی غیرمستقیم به واشنگتن تلقی شد.

بحران عراق پایان یافت؟

اما پرسش اصلی اینجاست که آیا این بحران کوچک پایان یافته است؟ پاسخ کوتاه و روشن است؛ «خیر». این رخداد نه یک تصمیم اشتباه اداری که بخشی از روند بزرگ‌تری است که از معادلات آمریکا تا فضای پس از جنگ غزه، پرونده انرژی عراق و همچنین مذاکرات امنیتی بغداد ـ واشنگتن تأثیر می‌پذیرد. بنابراین مسدودسازی دارایی‌های گروه‌های مقاومت که در نهایت با عقب‌نشینی تاکتیکی دولت السودانی همراه بود صرفا بازشدن در جعبه پاندورا بود. عراق اکنون پس از انتخابات پارلمانی در موقعیتی دوگانه قرار گرفته است؛ از یک سو نیازمند همکاری امنیتی و اقتصادی با آمریکا و از سوی دیگر ناگزیر به حفظ تعادل داخلی و منطقه‌ای با تهران و کشورهای عربی است. در این بین طناب‌کشی سیاسی داخلی در عراق برای تعیین نخست‌وزیر و دولت جدید هم بدون نقش گروه‌های مقاومت ممکن نیست، ازاین‌رو دست السودانی بسته است. اما نخست‌وزیر عراق می‌داند آمریکا هم پیش‌شرط‌های خود را برای ادامه همکاری با او دارد. بغداد در سال‌های اخیر تلاش کرده «رویکردی مستقل‌تر» نسبت به گذشته داشته باشد. اما این استقلال، در شرایطی که واشنگتن به دنبال محدودکردن عمق راهبردی ایران است، به‌راحتی مورد آزمون قرار می‌گیرد. لغو سریع تصمیم مسدودسازی، اگرچه به‌ظاهر نشانه‌ای از قدرت فشار اجتماعی و سیاسی در عراق است، اما هم‌زمان نشان می‌دهد واشنگتن تا چه اندازه می‌تواند روندهای اداری و ساختاری بغداد را متأثر کند. اینجاست که نقش ایران در عراق، بیش از گذشته نیازمند بازتعریف آرام، تدریجی و مبتنی بر واقعیت‌های جدید است؛ واقعیت‌هایی که نشان می‌دهد بغداد در حال ورود به مرحله‌ای است که فشارهای خارجی و الزامات داخلی به‌طور هم‌زمان بر سیاست‌گذاری آن سنگینی می‌کنند.

بیروت میان توفان؛ از پیام آرام عراقچی تا موج واکنش‌ها

در لبنان هم وضعیت در مسیر دیگری طی می‌شود. برخلاف آنچه گاه در تحلیل‌های شعاری مطرح می‌شود، بیروت امروز در یکی از شکننده‌ترین مقاطع روابطش با تهران قرار دارد. هرچند دستگاه دیپلماسی تلاش می‌کند تصویری آرام و بدون تنش ارائه دهد، اما سلسله رویدادهای هفته گذشته نشان داد کوچک‌ترین موضع‌گیری از سوی ایران می‌تواند شدیدترین واکنش‌ها را در لبنان ایجاد کند.

نقطه آغاز این روند، نامه رسمی پنجشنبه عباس عراقچی به وزیر خارجه لبنان بود؛ پیامی دیپلماتیک و مبتنی بر ادبیات کلاسیک روابط دو کشور. عراقچی در این نامه بر حمایت ایران از حاکمیت لبنان و مخالفت با هرگونه تجاوز رژیم صهیونیستی تأکید کرد و از یوسف رجی برای سفر به تهران دعوت کرد. پیام، آرام، دوستانه و کاملا مطابق سنت دیپلماسی رسمی بود.

۴۸ ساعت قبل از آن هم اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در نشست هفتگی و در پاسخ به پرسشی درباره اتهامات دخالت ایران در لبنان، بار دیگر تأکید کرد که «تهران هیچ مداخله‌ای در امور داخلی لبنان ندارد». به گفته او، «موضوعات لبنان مربوط به خود لبنانی‌هاست. ما صرفا از حق لبنان برای دفاع در برابر تجاوز حمایت می‌کنیم». این موضع‌گیری نیز در مسیر تلطیف فضای موجود بود. اما نقطه چرخش واقعی، مصاحبه علی‌اکبر ولایتی با خبرگزاری تسنیم بود؛ گفت‌وگویی که دو جمله کلیدی آن به‌سرعت به کانون بحران تبدیل شد؛ «حزب‌الله ضروری‌تر از آب و نان برای لبنان است» و «ایران از مقاومت حمایت کرده و خواهد کرد». این جملات، چه از منظر سیاسی درست تلقی شوند و چه نقدپذیر در عمل، چنان فضای تند ضدایرانی را در لبنان پدید آورده که پیام آرام عراقچی نیز نتوانست آن را خنثی کند و اتفاقا در بیروت این برداشت را ایجاد کرد که «ایران دو زبان دیپلماتیک» دارد؛ زبان رسمی وزارت خارجه و زبان سیاست‌گذارانی با نفوذ بالاتر. در همین راستا، نواف سلام، نخست‌وزیر لبنان، در واکنش به این اظهارات گفت: «سلاح حزب‌الله، نه از رهبرانش محافظت کرد، نه به مردم لبنان کمک کرد و نه در جنگ غزه کارایی داشت». یوسف رجی، وزیر خارجه لبنان که تا پیش از آن موضعی نسبتا معتدل داشت، خطاب به عراقچی نوشت: «برای ما، حاکمیت و استقلال از آب و نان مهم‌تر است». به تعبیر یوسف رجی، «می‌خواستم سخن شما (عراقچی) درباره عدم دخالت ایران را باور کنم، اما اظهارات مشاور رهبری درباره ضرورت سلاح حزب‌الله نشان داد تهران همچنان در امور لبنان نقش‌آفرینی می‌کند». البته فیصل کرامی، نماینده پارلمان لبنان، پا را فراتر گذاشت و مدعی شد «ایران نباید در کار لبنان دخالت کند. عمق استراتژیک ما عربی است». سمیر جعجع، سیاست‌مدار مسیحی و رهبر حزب قوات نیز در واکنشی تندتر خطاب به ولایتی اظهار کرد: «به امور مردم خودتان برسید؛ لبنان کشور مستقل است». این موج انتقادات تنها سیاسی نبود؛ در فضای عمومی لبنان نیز بازتاب گسترده یافت. کاربران شبکه‌های اجتماعی، این اظهارات را دخالت مستقیم در بحث خلع سلاح حزب‌الله دانستند؛ موضوعی که در لبنان «خط قرمز حساسیت حاکمیتی» است. در این میان، نکته کلیدی این است؛ برخلاف آنچه برخی تحلیلگران شعار می‌دهند، مناسبات تهران و بیروت اکنون در یکی از شکننده‌ترین دوره‌های خود قرار دارد. فضایی که در آن، یک موضع‌گیری در تهران می‌تواند به‌سرعت فضای سیاسی بیروت را ملتهب کرده و تلاش‌های وزارت خارجه برای مدیریت روابط را بی‌اثر کند.

لبنان، از زمان آتش‌بس با اسرائیل در زمستان ۱۴۰۳، به‌نوعی در دوره گذار قرار گرفته است؛ دوره‌ای که در آن تعریف رابطه گروه‌های مقاومت با دولت، آینده سلاح حزب‌الله و نقش بازیگران منطقه‌ای در تعادل داخلی، در حال بازنویسی است. هرچه این بازنویسی حساس‌تر می‌شود، وزن معنایی هر جمله از سوی مقامات ایرانی نیز سنگین‌تر می‌شود.

نقش ایران و معادله جدید فشارها

تام باراک در تازه‌ترین اظهارات خود در ابوظبی خواستار آن شد که لبنان درباره مسئله حزب‌الله با اسرائیل مذاکره کرده و «صفحه گذشته را ببندد». به ادعای نماینده رئیس‌جمهور آمریکا در امور سوریه و لبنان، «واشنگتن به دنبال مذاکرات مستقیم میان لبنان، حزب‌الله و اسرائیل است» و این در حالی است که تل‌آویو در هفته‌های اخیر حملات خود به لبنان را افزایش داده و آمریکا نیز برای خلع سلاح حزب‌الله فشار وارد می‌کند. باراک همچنین ابراز امیدواری کرد تحریم‌های قانون سزار علیه سوریه لغو شود.

به گفته‌های باراک باید خبر اکسیوس را هم اضافه کرد که صفحه معادلات خاورمیانه را تکمیل می‌کند. به گفته این رسانه، ترامپ قصد دارد دولت غزه و «هیئت صلح» را تا کریسمس اعلام کند و این هیئت صلح شامل ۱۰ رهبر از کشورهای عربی و غربی به ریاست ترامپ خواهد بود. ضمن آنکه غزه توسط یک دولت تکنوکرات فلسطینی تحت نظارت هیئت اجرائی شامل تونی بلر، ویتکاف و کوشنر اداره خواهد شد و در این بین برخی از نامزدهای دولت غزه اکنون در غزه زندگی می‌کنند و برخی دیگر بازخواهند گشت. اینها علاوه بر معادلات یمن است. روزنامه العربی الجدید گزارش داد که شبه‌نظامیان شورای انتقالی جنوب یمن مورد حمایت امارات بامداد روز پنجشنبه استان المهره را که در مرز شرقی یمن با عمان قرار دارد، بدون درگیری و پس از توافق با فرماندهان نظامی محلی به کنترل خود درآوردند. بدون شک این رخداد تحولات امنیتی در شرق یمن را وارد مرحله‌ای تازه خواهد کرد؛ چون استان المهره دومین استان بزرگ یمن از نظر مساحت است و با داشتن دو گذرگاه مرزی صیرفت و شحن با عمان و نیز طولانی‌ترین خط ساحلی یمن به طول حدود ۵۶۰ کیلومتر، اهمیت راهبردی ویژه‌ای دارد. در این ساحل، بندر مهم نشطون نیز قرار دارد. گفتنی است شبکه المسیره یمن هم گزارش داد که عربستان، چهارشنبه صعده را هدف قرار داده است. در چنین شرایطی و با این مهندسی معادلات غرب آسیا، ایران امروز در برابر معادله‌ای قرار گرفته که هم مدیریت عراق را دشوارتر کرده و هم حساسیت در لبنان را افزایش داده است. در عراق، فشار آمریکا برای محدودسازی گروه‌های مقاومت در حال بازتعریف روابط واشنگتن-بغداد است؛ فشاری که به‌طور مستقیم عمق راهبردی ایران را هدف گرفته است. در لبنان، تغییرات سیاسی و فشارهای داخلی علیه حزب‌الله، موجب شده هر اظهارنظر بیرونی، بخشی از پازل سیاست داخلی تصور شود. در چنین شرایطی، نقش ایران دیگر نمی‌تواند تنها بر پایه «حمایت سنتی از محور مقاومت» تعریف شود. فشارهای بین‌المللی، وضعیت اقتصادی منطقه، تغییر آرایش بازیگران عربی، رقابت عربستان و امارات و حتی تحرکات ترکیه، همگی لایه‌هایی از محیط جدید را شکل می‌دهند؛ محیطی که در آن ایران باید دیپلماسی چندلایه و محدود به کانال‌های رسمی را در دستور کار قرار دهد. آنچه امروز بیش از هر چیز آشکار شده، این است که تهران برای حفظ جایگاه خود در بغداد و بیروت، نیازمند یکپارچگی پیام، هماهنگی داخلی و مدیریت دقیق اظهارنظرهاست. دوره‌ای که هر جمله نسنجیده، سایه‌ای سنگین بر تلاش دیپلماسی رسمی می‌اندازد.

تحولات امروز شاید آغاز مرحله‌ای باشد که در آن ایران باید نقشه نفوذ منطقه‌ای خود را بازنگری کند؛ مرحله‌ای که فشارهای خارجی افزایش یافته، بازیگران منطقه‌ای فعال‌تر شده‌اند و عراق، لبنان، یمن، فلسطین و... در آستانه جابه‌جایی‌های حساس سیاسی قرار دارند. در این معادله جدید، ایران اگر می‌خواهد همچنان نقش مؤثری ایفا کند، باید با دقت بیشتری میان «حمایت»، «دخالت» و «دیپلماسی» مرزبندی کند؛ مرزبندی‌ای که اکنون بیش از هر زمان دیگری تعیین‌کننده آینده روابط تهران با دو پایتخت کلیدی بغداد و بیروت است.

اگر پیش‌تر از «مثلث در حال تغییر» سخن گفته می‌شد، امروز باید از «مثلثی در حال وقوع» سخن گفت؛ رخدادهایی که نه‌تنها می‌توانند وضعیت داخلی لبنان، عراق و سوریه را دگرگون کنند، بلکه موقعیت ایران در این سه عرصه را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند

خبر

یوسف پزشکیان:
توافق دولت و مجلس برای تغییر برخی وزرا کذب محض است

فرزند و عضو دفتر رئیس‌جمهوری ادعای مطرح‌شده درباره «توافق مجلس و دولت برای تغییر برخی وزرا» را تکذیب کرد. یوسف پزشکیان در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس در پاسخ به پرسشی مبنی بر توافق مجلس و دولت برای تغییر برخی وزرا، نوشت: «از رئیس‌جمهور سؤال کرده‌ام. صددرصد تکذیب می‌شود». یک فعال رسانه‌ای در توییتی از یوسف پزشکیان پرسیده بود: «آیا حقیقتا حضرت‌عالی توافقِ فی‌مابین دولت و مجلس بر سرِ تغییر برخی وزرا را تکذیب می‌کنید؟!».

درخواست پزشکیان از رسانه‌ها برای پیگیری یک پروژه

رئیس‌جمهوری با تأکید بر اینکه توسعه زیرساخت حمل‌ونقل عمومی وظیفه اصلی دولت است، از رسانه‌ها خواستار پیگیری مستمر این موضوع از دستگاه‌ها شد. مسعود پزشکیان در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «پیگیری توسعه راه‌آهن حومه‌ای تهران؛ دیشب گزارش ساختار جدید و نقشه اجرا بررسی شد. دولت با شرط عدم بارگذاری جمعیتی و صنعتی جدید در تهران، با تمام توان حامی پروژه است. توسعه زیرساخت حمل‌ونقل عمومی وظیفه اصلی دولت است. از اصحاب رسانه می‌خواهم از دستگاه‌ها پیگیری مستمر کنند». رئیس‌جمهوری پنج روز پیش نیز در توییتی از پیگیری بازدید میدانی ماه گذشته از راه‌آهن تهران خبر داده و نوشته بود: «دستورات یکم آذر در وزارت راه برای نهایی‌سازی ساختار سازمانی و تأمین اعتبار تعمیر قطارهای حومه‌ای همچنان ادامه دارد. در استانداری تهران برای رفع موانع و تسریع توسعه شبکه ریلی استان تصمیم‌های تکمیلی گرفتیم».

ترکی فیصل:
اسرائیل بزرگ‌ترین تهدید منطقه است، نه ایران

دیپلمات پیشین عربستان، در سخنرانی خود در ابوظبی تأکید کرد که رژیم صهیونیستی ـ با حملات مکرر به لبنان، غزه و سوریه ـ تهدیدی بزرگ برای ثبات منطقه است و آمریکا باید این رژیم را مهار کند. به گزارش ایسنا، «ترکی الفیصل»، دیپلمات پیشین عربستان، در اجلاس خاورمیانه و آفریقای مؤسسه میلکن اعلام کرد این رژیم صهیونیستی است که تهدید بزرگی برای ثبات منطقه به شمار می‌رود، نه ایران. او با طرح این ادعا که کاهش قدرت و نفوذ حزب‌الله در لبنان پس از جنگ با رژیم صهیونیستی و همچنین سقوط دولت سوریه در سال گذشته، توان ایران را برای تأثیرگذاری بر تحولات منطقه محدود کرده، گفت: «به نظر من بدون تردید این اسرائیل است که دردسرساز است و آمریکا باید آن را مهار کند». او حملات مستمر رژیم صهیونیستی به لبنان، غزه و سوریه را شاهدی بر این مسئله دانست و گفت این رژیم «احساس قدرت» می‌کند. او هشدار داد که رفتار رژیم صهیونیستی و ناتوانی جهان در حل مسئله فلسطین، می‌تواند زمینه‌ساز ظهور جریان‌های افراطی جدید شود. وی ادامه داد: «اسرائیل تقریبا هر روز سوریه را بمباران می‌کند، فلسطینیان را در غزه و کرانه باختری هدف می‌گیرد و همچنین در لبنان حمله می‌کند، در حالی که آنجا باید آتش‌بس برقرار باشد. چنین رفتاری هیچ شباهتی به صلح‌آفرینی در منطقه ندارد». او به طرح کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس برای ایجاد سامانه دفاع هوایی مشترک اشاره کرد؛ طرحی که دبیر کل شورا، اعلام کرده به‌زودی نهایی خواهد شد. این اظهارات پس از حملات رژیم صهیونیستی و ایران به قطر در سال جاری مطرح می‌شود. ترکی الفیصل حمله رژیم صهیونیستی به دوحه ـ حمله‌ای که طی آن مذاکره‌کنندگان حماس هنگام بررسی پیشنهاد آتش‌بس هدف قرار گرفتند ـ را «نشانه‌ای هشداردهنده» دانست که به گفته او ثابت می‌کند شورای همکاری خلیج فارس باید برای دفاع از خود متحد شود. او افزود: «همکاری دفاعی میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس موضوع تازه‌ای نیست؛ پس از حمله صدام به کویت نیز نیروهای آمریکایی به کمک منطقه آمدند. اما امروز لازم است دیگران را هم همراه کنیم». در پاسخ به این پرسش که آیا عربستان باید به فکر توسعه سلاح هسته‌ای باشد، ترکی الفیصل گفت این گزینه‌ای است که ریاض باید «جدی بررسی» کند.